

گرایش پیدا کردید.

من از قدیم با آقای ناطق رفیق بودم و اغلب دوستانم هم از جناح راست بودند. اما در عین حال، با چهره‌های جناح چپ هم رفیق بودم و برای مثال، آقای کروبی، آقای خوثینی‌ها، آقای انصاری و چهره‌های نزدیک به بیت امام همگی از دوستان من بودند ولی در تقسیم‌بندی‌های آن زمان، من جزو راست‌گرایان محسوب می‌شدم. البته بنده در تمام مدتی که در سمت‌های قضایی و امنیتی بودم، گرایش اخلاقی برایم ارجح بر همه چیز بود و شاید همین مسأله بود که من را به آقای خاتمی نزدیک کرد.

■ و شما وزارت اطلاعاتی را تحویل گرفتید که کوهی از مصائب را با خود داشت.

آنقدر مشکل دار بود که یک روز در خدمت رهبر معظم انقلاب بودیم، ایشان تشبیهی مطرح کردند و گفتند یک نفر بار شیشه می‌فروخت، مأموری آمد با چوب محکم ضربه‌ای به آن زد و گفت این چیست؟ فروشنده گفت یک ضربه دیگر بزن، دیگر هیچ چیز نیست. در واقع، وزارت اطلاعات آن زمان بسیار آسیب دیده بود. این وزارتخانه به قاتل، جانی و انواع و اقسام جرایم متهم بود. این در حالی بود که هم‌زمان منافقین هم ترورهایشان را آغاز کرده بودند و با فاصله کمی از آن زمان، آقای لاجوردی، رئیس پیشین زندان و دادستان انقلاب و امیر صیاد شیرازی را شهید کردند. همین پاستور را خمپاره می‌زدند، وزارت اطلاعات و ستاد کل و خلاصه هر روز یک جا را هدف می‌گرفتند. اما ظرف مدت دو سال، توانستیم از آن ویرانه‌ای که تحویل گرفته بودیم، یک تشکیلات مقتدر و آبرومند بسازیم.

■ در دوران وزارت، چقدر توانستید روش‌های مرسوم در این تشکیلات را تغییر دهید؟

تلاش کردیم وزارت اطلاعات به کار اصلی خودش که مبارزه با تروریسم بود بپردازد، نه مبارزه با فحشا، منکرات، مواد مخدر، مسائل سیاسی و کارهای اقتصادی. اینها همه بار اضافی برای این وزارتخانه داشت، در صورتی که مأموریت ما چیز دیگری بود و دستگاه قضایی و نیروهای مسلح باید به این امور می‌پرداختند. مهم‌ترین اقدام ما در روزهای اول، خاموش کردن آتش منافقان بود. این کار حدود شش ماه به طول انجامید و سرانجام موفق شدیم شرارت منافقین را برای همیشه خاموش کنیم، به طوری که آنها بعد از آن، دیگر هرگز نتوانستند عملیاتی در کشور انجام دهند.

■ از گذشته تا امروز، تشکیلات اطلاعاتی کشور نه فقط در بحث مبارزه با تروریسم که زندگی و فعالیت برخی افسار را هم تحت نظر داشته و دارد. برخی می‌گویند اساساً مأموریت‌های این چنینی در رصد زندگی افراد، مغایر با عبارت قرآنی «لاتجسسوا» است.

رعایت مسائل شرعی، اخلاقی و قانونی باید مهم‌ترین اقدامی باشد که در وزارت اطلاعات صورت می‌گیرد. ممنوعیت‌های شدیدی برای وزارت اطلاعات وجود دارد، حتی ممنوعیت‌های قانونی، اخلاقی و شرعی در مبارزه با تروریسم. این چیزی بود که ما به آن عمل کردیم و شدنی بود. بد نیست به چند نماد در این باره اشاره کنم. برای مثال، وقتی بنده وزیر شدم، کمیته مشترک زمان شاه با عنوان زندان توحید همچنان وجود داشت. یعنی کمیته به زندان توحید تغییر نام داده بود. ما آنجا را تعطیل و به موزه عبرت تبدیل کردیم. با این تعطیلی، همه متوجه شدند ما در این قضیه مصمم هستیم. بنده زمانی که در دادگاه نظامی بودم هم می‌گفتم همه زندان‌های فرعی را تعطیل کنید. وقتی زندان‌های متعدد داریم و دستگاه قضایی اجازه می‌دهد بعضی از نهادها زندان داشته باشند، آخرش می‌شود که ریزک و فاجعه‌ای که در آن رخ داد. دستگاه قضایی باید قاطعانه همه زندان‌های فرعی را تعطیل کند. اگر قرار است نیروهای امنیتی، نظامی و انتظامی هم بازداشتگاه داشته باشند باید کاملاً در اختیار دستگاه قضایی باشد؛ یعنی دستگاه قضایی حق داشته باشد هر موقع می‌خواهد برای سرکشی برود، نه اینکه به قاضی اجازه بازدید و ورود ندهند؛ اتفاقی که فاجعه کهریزک را به بار می‌آورد. اسم آن موزه را عبرت گذاشتیم تا عبرت باشد برای حاکمان تا بداند قدرت همیشه ماندگار نیست، مقام همیشه ماندگار نیست، ظلم همیشه نمی‌تواند پایدار باشد و خانه ظلم در نهایت بر سر خود طالم خراب می‌شود. در واقع هدفم از انتخاب اسم «عبرت» برای این موزه، همین پیام بود.

■ وقتی شما به وزارت اطلاعات آمدید، سازمان قضایی نیروهای مسلح همچنان مشغول بررسی‌ها درباره پرونده قتل‌های زنجیره‌ای بود و تحقیقات به سمت ضد اطلاعاتی شدن و نسبت دادن مسائل اخلاقی به متهمان پیش می‌رفت.

پیش رفته بود. سازمان قضایی آن موقع بر اساس این تحلیل کار را پیش می‌برد که چون این اتفاق به ضرر نظام جمهوری اسلامی بوده و قتل امثال فروهر توجیه امنیتی

ندارد و فقط به نفع اسرائیل و دشمنان است، باید نفوذی از بیرون صورت گرفته باشد و این نفوذ شاید اسرائیل باشد که در وزارت اطلاعات صورت گرفته است. بر همین اساس می‌گفتند باید زیر و بم نفوذ را در آورد و با اعمال شکنجه‌های طاقت فرسا از بعضی دستگیرشدگان اعتراف گرفتند که با اسرائیل ارتباط داشته‌اند و همچنین به گناهان و جرایم عجیب و غریب هم اعتراف کرده بودند.

■ چرا شما مانع شکنجه نشدید؟

پرونده در اختیار وزارت اطلاعات نبود چون وزارت خودش متهم بود، عملاً سلب صلاحیت شده بود.

■ بازجوها و شکنجه‌گران از پرسنل وزارت اطلاعات نبودند؟

بله، بیشتر بازجوها و شکنجه‌گرها از پرسنل وزارت اطلاعات بودند ولی بدون ارتباط اداری.

■ به بحث شکنجه اشاره کردید. حتی در زمان نوشتن قانون اساسی هم بین شخصیت‌های مختلف نظام بر سر این موضوع دچار چندگانگی بودیم و شاید همین باعث شد شکنجه در فعالیت‌های اطلاعاتی قضایی قدغن نشود.

وقتی قانون اساسی ما را می‌نوشتند این شهید بهشتی بود که تحت هیچ شرایطی شکنجه را مجاز نمی‌دانست و اجازه نمی‌داد، اما همان موقع آیت‌الله مشکینی، رئیس پیشین مجلس خبرگان که استاد اخلاق بود اصرار داشت که بگوییم شکنجه ممنوع است، مگر به حکم قانون. اما آقای بهشتی نمی‌پذیرفت و در قانون اساسی منع شکنجه به طور مطلق آمده است و راه فرار ندارد.

■ استدلال مرحوم مشکینی چه بود؟

می‌گفت اگر شما یک نفر را دستگیر کردید که احتمال می‌دهید قاتل مطهری است، وقتی دو تا سیلی به او بزنید، اعتراف می‌کند. می‌گفتند فلان منافق که در حال سیانور خوردن و در خانه تیمی دستگیر شده است، اگر دو تا شلاق بخورد همه را لو می‌دهد و اینگونه از جنایت‌های زیادی جلوگیری می‌شود. امثال مرحوم مشکینی استدلالشان این بود که می‌گفتند اهم و مهم کنید. در واقع استدلال‌های این گروه هم زیاد و محکم بود اما آقای بهشتی می‌گفت «اگر ما اجازه شکنجه دهیم به این حد باقی نمی‌ماند و ممکن است اتفاقات دیگری هم بیفتد. حالا که اجازه نداده‌ایم این طور شده، چه برسد به اینکه اجازه دهیم.»

■ حالا که بحث مسائل اطلاعاتی داغ است، بد نیست گریزی هم به پرسش‌های اطلاعاتی برنیم که این روزها و در جریان پرونده محمدعلی نجفی بسیار سرزبان‌ها افتادند. ابهامی که برخی در این زمینه مطرح می‌کنند این است که اساساً چرا باید برای حذف افراد خاص، روی موضوعی دست گذاشت که همه انسان‌ها به جز افراد معصوم در آن امکان لغزش دارند.

جالب است که این واژه پرستو اینقدر بین همه جا افتاده است! اصطلاح پرستو به دوران ساواک برمی‌گردد. ساواک آن زمان زنانی ویژه و آب و رنگ دار را تربیت می‌کرد تا مخالفان خود را به دام بیندازد. بعد از انقلاب، زمانی که آقای ری شهری وزیر اطلاعات شد، این موضوع را به طور کامل تعطیل کرد. این موضوع الان در وزارت اطلاعات و همه سازمان‌های اطلاعاتی امنیتی ممنوع است. ریشه این قضیه به شوروی می‌رسد که به طور گسترده از این حربه استفاده می‌کرد. وزارت اطلاعات به افرادی که در قالب‌های مختلف از جمله سفرا و مأموران می‌که به مأموریت‌های خارج از کشور می‌روند، توضیح می‌دهد که ممکن است در راستای اهداف اطلاعاتی طرف‌های خارجی برای شما چنین دام‌هایی پهن شود. در دنیا مقام‌های خیلی مهمی گرفتار این ماجرا شده‌اند.

تا جایی که من خبر دارم، قبل و بعد از زمان من در وزارت اطلاعات استفاده از این حربه نامشروع و غیراخلاقی در وزارت اطلاعات ممنوع بود؛ یعنی هیچ سیستم اطلاعاتی در کشور نیست که افرادی را به عنوان پرستو در قالب کارمند یا مأمور در خدمت داشته باشد.

■ این ممنوعیت فقط مربوط به وزارت اطلاعات بوده یا همه نهادهای امنیتی اطلاعاتی کشور؟

نه؛ جاهای دیگر هم تا جایی که من خبر دارم، چنین نیروهایی در خدمت ندارند.

وقتی قانون اساسی ما را می‌نوشتند این شهید بهشتی بود که تحت هیچ شرایطی شکنجه را مجاز نمی‌دانست و اجازه نمی‌داد، اما همان موقع آیت‌الله مشکینی، رئیس پیشین مجلس خبرگان که استاد اخلاق بود اصرار داشت که بگوییم شکنجه ممنوع است، مگر به حکم قانون. اما آقای بهشتی نمی‌پذیرفت